



بدحجابی و نقض حق بر سلامت اجتماعی جامعه

ندا محمد اوغلی حیقی

پایه پنج حوزه های علمیه خواهران، مدرسه فاطمیه، مشگین شهر، ایران (نویسنده مسئول)

neda.mohammadooghli@gmail.com

مهدی عمانی

دانش آموخته دکتری تخصصی، رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

Omanimehdi68@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: ریشه سلامت اجتماعی به تعریف سازمان بهداشت جهانی از مفهوم سلامت بر می گردد، در این تعریف گفته شده که سلامت فقط نبود بیماری و نقص نیست بلکه آسایش کامل جسمی، روانی و اجتماعی است. بنابراین هدف اصلی از مقاله حاضر بررسی نقض سلامت اجتماعی جامعه از طریق بدحجابی است.

روش تحقیق: این نوشته با استفاده از شیوه پژوهش توصیفی، تحلیلی و جمع آوری اطلاعات با استفاده از کتب، مقاله ها و پایگاه های اینترنتی انجام گرفته است و سعی بر آن دارد تا به بررسی بدحجابی به عنوان عاملی براتی نقض سلامت اجتماعی جامعه بپردازد.

یافته های تحقیق: یکی از رویکردهای مطرح در زمینه تبیین نقض سلامت اجتماعی، فاصله گرفتن جامعه از فرهنگ حجاب است که بسیاری از مشکلات روانی و اجتماعی است. از این رو وظایف علما و اندیشمندان است که با روشن گری پیامدهای نامطلوب بدحجابی بپردازند.

نتیجه گیری: نتایج تحقیق حاکی از این مطلب است که بدحجابی در حال حاضر رو به گسترش است و همچون آفتی است که شجره طیبه نسل جوان و نوجوان را آفت زده و رشد و بالندگی آنان را به مخاطره انداخته است. بررسی اثرات مهم این امر می تواند به عنوان دستاوردی در تحکیم بنیان خانواده و در نهایت سلامت اجتماعی جامعه جلوه گر شود.

کلید واژه ها: بدحجابی، سلامت اجتماعی، جامعه، بی علافگی



مقدمه

سلامت اجتماعی با روابط بین فرد با دیگران و جامعه ارتباط دارد، در نتیجه سلامت اجتماعی فرد به ابعاد و جوهری از زندگی جمعی وی مربوط می شود. بررسی وضعیت سلامت اجتماعی و عوامل موثر بر آن از ابعاد گوناگون دارای اهمیت است. با گسترش روز افزون ارتباطات انسانی، شناسایی عوامل برهم زننده آرامش و سلامت افراد و علل بروز بحران های اجتماعی و روانی اهمیت بیشتری یافته است. افراد با سلامت اجتماعی بالاتر از سلامت جسمی بالاتری نیز برخوردار بودند و در چنین شرایطی خانواده و جامعه سالم به وجود خواهد آمد.

سازگاری فردی و اجتماعی در نوجوانان و جوانان به عنوان مهمترین نشانه سلامت روان آنان، از جمله مباحثی است که در دهه های اخیر توجه بسیاری از جامعه شناسان، روان شناسان و مربیان را به خود جلب نموده است. رشد فردی و اجتماعی مهمترین جنبه رشد وجود هر شخصی است و معیار اندازه گیری رشد اجتماعی هر فردی، سازگاری او با دیگران است. (رستمی، ۱۳۹۴: ۱۲) اجتماعی شدن یک فرایند دوجانبه ارتباطی میان فرد و جامعه است. به همین دلیل جریانی پیچیده به شمار می آید که ابعاد و جوانب گوناگونی دارد. کسب مهارت های اجتماعی، چگونگی برقراری ارتباط با سایر افراد و سازگاری فردی و اجتماعی، از جمله این ابعاد هستند (خدایاری فرد و فقیهی، ۱۳۸۵: ۳) رشد فردی و اجتماعی نه تنها در سازگاری با اطرافیانی که فرد با آن ها در ارتباط است، مؤثر است؛ بلکه بعدها در میزان موفقیت تحصیلی و شغلی فرد نیز تاثیر دارد (وایتزمن، ۱۳۷۳: ۲۹) پس از تحقق انقلاب اسلامی ایران، هجده های جهانی علیه ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی و به طور ویژه، شبهه پراکنی علیه حجاب، بسیار افزایش یافته است. علت این امر این است که با وقوع انقلاب اسلامی و داعیه تمدنی آن نسبت به کلّ عام جبهه مقابل نسبت به ارزش های انقلاب، احساس خطر کرده و حساسیتش بیشتر شده است. حجاب نیز به عنوان بارزترین نماد اسلام در جامعه دینی برای مخالفان حکومت اسلامی اهمیت ویژه ای پیدا کرده است؛ زیرا مبنای فرهنگ، عفاف و حجاب، خویشتن داری و گذشتن از لذت های صرفاً مادی است که این خود، مبنای ایدئولوژی، اومانیسم غربی را که لذت محوری است، به چالش می کشد و پایه های تمدن مادی غرب را متزلزل می کند. (اسلام لو، ۱۳۹۹: ۱۲) حجاب به معنای پوشش بیرونی و عفاف به معنای پوشش درونی، این دو عامل باعث سلامت جامعه است. امروز به دلایل گوناگون از جمله بحث تکثر فرهنگ ها، جهانی شدن، تضعیف هویت ملی و بومی، عصر افول ارزش ها و رشد و توسعه پاد فرهنگ های معارض، با مشکلات گوناگون معارض، با مشکلات گوناگون معنوی مواجه است. از این رو پرداختن به مسأله حجاب به عنوان یک ارزش و رویکردی مؤثر در مواجهه و مقابله با تهاجم فرهنگی می تواند آثار و پیامدهای مثبتی برای جامعه در پی داشته باشد. (شریعتی سرابی، ۱۳۹۹: ۱۴)

در این پژوهش به بررسی این موضوع می پردازیم که بی حجابی چیست و چه تاثیری بر سلامت اجتماعی جامعه دارد و چگونه باعث نقض سلامت جامعه می شود؟ حساسیت و اهمیت حجاب از جهات مختلف اقتضا می کند که با نگاهی جامع بدان پرداخته شود و چه در مقام پژوهش و چه در مقام آسیب شناسی برای ترویج و تبلیغ از زاویه حیثیت اجتماعی و فرهنگی خاص آن مطالعه و بررسی شود.

۱- روش تحقیق

تحقیق حاضر به صورت توصیفی و تحلیلی انجام خواهد گرفت. با توجه به این که پژوهش حاضر قصد دارد با استفاده از روش های معتبر فعالیت های علمی و پژوهشی به شرح تفصیلی در مورد متغیرهای موردنظر بپردازد. لذا از روش توصیفی و تحلیلی که از معمول ترین و مناسب ترین روش های تحقیق کیفی می باشد استفاده خواهد شد. روش مورد استفاده برای این پژوهش از نوع کتابخانه ای بوده و ابزار گردآوری داده ها هم از طریق فیش برداری از اسناد و گزارش ها می باشد.



۲- پیشینه شناسی

آثار گوناگونی در رابطه با حجاب وجود دارد که نشان از اهمیت این موارد داشته و نویسندگان در آن به بررسی جنبه های مختلف حجاب به صورت کلی پرداخته که در این میان می توان به موارد زیر اشاره کرد.

مولایی پاره، سعیدی اصل و سعیدی اصل (۱۴۰۱)، در مقاله خود تحت عنوان «فلسفه حجاب و نقش تربیتی آن در دین اسلام» به این نتیجه دست یافته اند که وجوب رعایت پوشش برای زن یکی از احکام ضروری اسلام می باشد که آیات و روایات و سیره معصومین بر آن دلالت دارند.

عباسی، زرسازان، اسودی و قیدر (۱۴۰۰)، در مقاله «توصیف و تحلیل نظریات قرآنی نظیر زین الدین در مسئله حجاب» می گویند می توان اهمیت اقتضائات زمان و مکان را در رسیدن به نتایج متفاوت به وضوح دریافت و درباره مناشقات علمی سال های اخیر در ایران و دیگر جوامع اسلامی بر سر مسئله حجاب به درک عمیق تری رسید.

افشانی و شیرینی محمدآباد (۱۳۹۹)، در مقاله «شبکه اجتماعی زنان و سلامت اجتماعی در خانواده» می گویند بین شبکه اجتماعی زنان و ابعاد آن با سلامت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و زنان به عنوان پایه های اصلی خانواده و محور اساسی سلامت و پویایی جامعه تلقی می گردند.

محمودی یگانه (۱۳۹۹)، در مقاله خود تحت عنوان «عفاف و حجاب از دیدگاه آیات قرآن و احادیث» به بررسی مفهوم عفاف و حجاب از دیدگاه آیات قرآن، سنت، و احادیث پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در ایلام هرچه الگوهای حجاب و عفاف مراتب برتر و بالاتری داشته باشند تاثیر بیشتری بر معنویات و دینداری فرد و جامعه خواهند گذاشت.

سراقی و خزائی (۱۳۹۷)، در مقاله «بررسی دیدگاه تفسیری آیات و مجرمانه بودن عدم رعایت حجاب شرعی» به مفهوم شناسی بی حجابی و همین طور عنوان مجرمانه بودن بدحجابی و بی حجابی پرداخته و آنها را با بهره گیری از دیدگاه های مفسران اثبات کرده اند.

احمدی و فریدی (۱۳۹۶)، در مقاله «رابطه حجاب و عفاف با امنیت روانی و سلامت اجتماعی» کارکردهای فردی و اجتماعی حجاب را نقد و هدف اساسی وجوب حجاب را با توجه به آیات قرآن کریم بررسی و در نهایت برخی از آثار و فواید حجاب اسلامی برای تحقق امنیت روانی و سلامت اجتماعی را برشمرده اند.

گرامی (۱۳۹۶)، در مقاله خود تحت عنوان «رابطه حجاب زنان با سلامت روانی خانواده و جامعه» بیشتر به مفهوم شناسی حجاب و سلامت روان پرداخته و سپس بررسی نقش حجاب در سلامت روانی زن را مورد مذاقه قرار داده است.

عربی (۱۳۹۶)، در مقاله خود تحت عنوان «نقش حجاب زنان در سلامت اجتماع، تبیین جامعه شناختی حجاب و راهکارهای مقابله ای با پدیده بدحجابی» به اثرات و مضرات بی حجابی و بدحجابی در جامعه پرداخته و تبیین جامعه شناختی آن را بیان نموده اند.

۳- مفهوم شناسی

در این بخش از مقاله به مفهوم شناسی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق برای آشناسازی مخاطبین می پردازیم:

۳-۱. حجاب

حجاب از ریشه «حجب» است که در منابع لغت عربی، دو معنای اصلی برای آن برشمرده اند: اولی به مفهوم مانع و حایل میان دو چیز، خواه آن دو چیز از امور مادی و اشیای محسوس باشد و یا از امور معنوی و غیر محسوس، بنابراین، «حجب و حجاب به معنای منع از وصول و رسیدن دو چیز به همدیگر است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۹) و دومی در معنای ستر و پوشش. در این باره گفته شده است: «حجاب یعنی پوشش و حجاب درون انسان؛ یعنی آن چه که بین قلب و اعضای دیگر حائل می شود»



(جوهری، ۱۴۱۰: ۱۰۷). همچنان که صاحب لسان العرب، حجاب را به معنای «ستر» دانسته و گفته است: «حجاب به معنای ستر و پوشش است: «حجبه» یعنی آن را پوشانید، زن محجوب، زنی است که پوشیده باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۰) حجاب در منابع لغت فارسی به معنای پرده، حاجز، رادع، مانع، عائق، سد و حائل میان دو چیز (دهخدا، ۱۳۷۷: ۸۶۹۹) به کار رفته و در اصطلاح عبارت است از: «نقابی که زن چهره خود را بدان پوشانند، یا چادری که زنان سر تا پای خود را بدان پوشانند» (معین، ۱۳۶۰: ۱۳۴۰) لازم به ذکر است استعمال کلمه «حجاب» در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است زیرا فقها، برای پوشش زن از کلمه «ستر» استفاده می کنند که در ابواب فقهی مختلف همچون باب صلاة و نکاح منعکس شده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۲۲۴)

۲-۳. سلامت اجتماعی

سلامت مفهومی چند بعدیست. بعد جسمی، روانی و اجتماعی که بعد اجتماعی که آن پیچیده ترین و در عین حال بحث برانگیزترین جنبه آن است. سازمان بهداشت جهانی سلامت اجتماعی را یکی از مؤلفه های کلیدی سلامت معرفی کرده است. اما به دلیل فقدان ابزارهای معتبر، این مفهوم همچنان موضوع بحث های سیاسی و اجتماعی است. مطالعات سلامت با استفاده از نمونه های زیستی، بیشتر بر وجه خصوصی سلامت تاکید دارند ولی افراد در درون ساختارها و روابط اجتماعی قرار دارند. (Bickenbach, 2017: 961) مفهوم سلامت اجتماعی مفهومی است که در کنار ابعاد جسمانی و روانی سلامت مورد توجه قرار گرفته است. جنبه اجتماعی آن با محور قرار دادن فرد مورد بررسی قرار می گیرد. در بررسی ادبیات تجربی سلامت اجتماعی چند رویکرد کلی در حوزه سلامت قابل شناسایی است: رویکرد اول که سلامت اجتماعی را در معنا و مفهوم سلامت عمومی به کار می برد. این رویکرد سلامت اجتماعی را شاخص می داند که توصیفگر عمومی وضع جامعه است. در این رویکرد به شاخص هایی همچون بیمه های سلامت، میزان بودجه، شیوع خشونت و جرم، مصرف مواد مخدر، تعداد زندانی ها، تعداد افراد بی خانمان، سرانه های آموزشی و بهداشتی، نرخ شیوع بیماری و... توجه میشود. رویکرد دوم سلامت اجتماعی ناظر به رفتارهای سلامت شهروندان است که کنشی جمعی تلقی می شود که بر جامعه اثرگذار است. رفتارهای سلامت شامل عادت های غذایی، ورزش و تحرک، مصرف سیگار، الکل و... است. رویکرد سوم بیانگر کیفیاتی ذهنی و روان شناختی است که ظرفیت های ایجاد تعامل سازنده و سالم را برای فرد ایجاد می کند. (Narayan, 2001: 60)

۳-۳. جامعه

واژه جامعه از نظر لغوی اسم مؤنث جامع، گردآورنده، توده مردم، گروهی از مردم که باهم وجه اشتراک داشته باشند، صنفی از مردم، مردم یک شهر یا یک کشور و نیز به معنی دانشگاه و غل که به دست و گردن زندانیان ببندند. اصطلاح جامعه در میان دانشمندان اجتماعی از پر ابهام ترین و کلی ترین واژگان است. ابهام مزبور تا جایی گسترش یافته که گاه با واژگانی مانند «ملت»، «امت» و مفاهیمی دیگر و حتی با اصطلاح تمدن به معنای «مجموعه ای گسترش یافته در دوره ای قابل ملاحظه از زمان نیز» مترادف شده است و گاه برخی عالمان اجتماعی آن را صرفاً بر اجتماعات بزرگ اطلاق کرده اند و جوامع کوچک تر را بر اجتماعات بزرگ ازلاق کرده اند و جوامع کوچک تر را که به مرحله مدنیت نرسیده اند، جماعت، گروه دسته و... نامیده اند (صبوری کاشانی، ۱۳۸۵: ۲۰۱) بنابراین دستیابی به تعریفی روشن و جامع و مانع، دشوار می نماید و به رغم کاربردهای فراوانش این مفهوم هنوز تعریفی مورد اتفاق نیافته است. (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۷۴۵) عالمان اجتماعی در تعاریف خود جامعه را به جمع شدن ارادی افرادی برای دستیابی به امتیازات مستقیم و غیر مستقیم تعریف کرده اند. (گولد و کولب، ۱۳۹۲: ۳۸۸) در نگاه کلی می توان جامعه را عبارت از مجموعه انسان هایی دانست که در جبر برخی نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده ها، ایده ها و آرمان ها در یکدیگر ادغام شده در یک زندگی مشترک غوطه ورنند (مطهری و طباطبائی، ۱۳۳۲: ۲۰۸) و روابط گوناگون و مشترک و متقابل و نسبتاً پایداری، آن ها را به هم پیوند می دهند (بروس، ۱۳۹۹: ۳۴۸) و هدفی واحد آنان را گرد آورده است. (صلیبا، ۱۳۷۱: ۱۵۲)



جامعه مجموعه ای از انسان هاست که عقیده و آرمان و نیازهای مشترک اجتماعی و روابط ویژه، زندگی انسانی آنان را به یکدیگر پیوند داده است، امام خمینی(ره) سرشت انسان را علت تشکیل جامعه و همکاری انسان ها با یکدیگر را باعث آسایش زندگی آنان دانسته و زندگی افرادی را به منزله خروج انسان از جامعه بشری و پیوستن به حیوانات وحشی شمرده است. (موسوی خمینی، ۱۳۱۸: ۴۶۷)

۴- چگونگی نقض سلامت اجتماعی با بی حجابی

در این قسمت از پژوهش به بررسی نقض سلامت اجتماعی با بی حجابی می پردازیم.

۴-۱. فروپاشی خانواده

خانواده با اهمیت ترین نهاد اجتماعی است. این نهاد اجتماعی کانون عشق و امید و تحقق آرزوهای آدمی و مرکز تولد و پرورش نسل بشر است. هیچ جامعه ای نمی تواند بدون آن پایدار بماند، قرآن کریم همسران را لباس یکدیگر می داند و بدین ترتیب نقش هریک را معین می کند. زن و شوهر نزدیک ترین افراد به یکدیگرند و چون لباس یکدیگر را از آفات و آسیب های عفت سوز و ایمان برانداز حفظ می کنند (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۵۱) رابطه بین زن و که مبتنی بر اخلاق و رفتار صحیح باشد از چند جهت اهمیت دارد: نخست جهت جذب و محبت بیشتر آن دو به یکدیگر و در نتیجه تحقق خانواده ای مطلوب و آرمانی. دیگر از حیث تأثیر آن در شکل گیری شخصیت سالم و شایسته فرزندان از جهات مختلف از جمله وراثت، محیط، تعلیم و تربیت و ... اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می شود و در جامعه بر احترام زن می افزاید. شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانوادگی مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول گردد و یا به عکس هر چیزی که باعث سستی روابط و دلسردی آنان گردد، به حال زندگی خانوادگی زیان مند است و باید با آن مبارزه کرد (کوهی، ۱۳۸۵: ۲۱) رعایت پوشش اسلامی می تواند از عوامل تأثیر گذار در ترغیب جوانان به تشکیل خانواده باشد، زیرا در جوامعی که روابط نامشروع آزاد است اعتماد بین افراد کم شده و ازدواج نوعی محدودیت به حساب می آید. (رشیدی، زبیدی، عزیزمانی، شریفی و نقشینه، ۱۳۹۴: ۴) شهید مطهری مطهری نیز در این باره می گوید: «فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانون شخص، از لحاظ روانی، عامل خوشبخت کردن او به شمار می رود؛ در حالی که سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب ک مزاحم و زندانبان به شمار می رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود.» موضوع طلاق از جهات و عوامل گوناگون قابل و تبیین می باشد و ریشه آن به طور عمده، حرمت نهادن زنان به خویشان در اثر فاصله گرفتن از پوشش خداپسندانه و در نتیجه آسیب دیدن عفت عمومی و اخلاقی فردی و اجتماعی است. (اکبری و نوری فرد، ۱۳۹۶: ۸)

۴-۲. سقوط ارزش ها

حیا و حجاب، دو عنصر مهم هویتی زن مسلمان ایرانی است. نظام سلطه همواره تلاش داشته با حذف این دو عنصر، زن و مرد را درگیر نفسیات کرده و به دنبال آن اندیشه و تفکر انقلابی را از جوامع گرفته و بتواند سلطه نرم خود را بر کشورها بگستراند، رهبر انقلاب در این خصوص می فرماید: «استعمارگران از قرن های شانزده و هفده که وارد سرزمین های شرق از جمله سرزمین های اسلامی شدند برای اینکه بتوانند کاملاً کمند اسارت را به دست و پای این ملت ها ببندند و اسیرشان بکنند، شروع کردند آن ها را نسبت به گذشته خود، نسبت به داشته های خود، نسبت به مذهب خود، نسبت به آداب خود و نسبت به لباس خود بدبین کردن. یعنی دینش را، اخلاقش را، لباسش را، خطش را، گذشته اش را و مفاخرش را کنار بگذارد و فراموش بکند، اما فرهنگ غربی، آداب غربی، رسوم غربی، تفکر غربی و روش و منش غربی را بپذیرد.» بدحجابی ارزش حقیقی زن را از بین می برد و او را



تا حد یک کالای بی ارزش مادی و پست و ذلیل می‌کند. زنی که اندام خود را در معرض دید همگان می‌گذارد و آنچه را که به جنسیت او مربوط می‌شود را به کوچه و بازار می‌برد، در حقیقت می‌خواهد با تکیه بر زنانگی خویش جای خود را در جامعه باز کند نه با تکیه بر انسانیت خویش، در واقع او به این ترتیب اعلام می‌کند که آنچه برای او اصل است زن بودن اوست نه انسان بودن و نه اندیشه و کارایی او، چنین زنی قبل از هر چیز اسیر خود است، افزون بر این زنان بدحجاب و فاقد شخصیت انسانی که به تزیین و تجمل و خودآرایی می‌پردازند معمولاً زنانی هستند که از سرمایه‌های معنوی و فضایل اخلاقی تهی و محروم هستند و پر واضح است که تهی بودن از فضایل اخلاقی زمینه ساز پیدایش رذایل اخلاقی است و پیدایش رذایل اخلاقی منشأ سقوط ارزش‌های الهی در انسان می‌شود و در نهایت فساد در جامعه رواج پیدا می‌کند. (حسینیان، ۱۳۷۱: ۸۹)

۳-۴. افت تحصیلی و آموزشی

فرهنگ هر جامعه‌ای به آموزش‌های آن بستگی دارد. هر قدر آموزش‌ها از غنای بیشتری برخوردار باشد، فرهنگ آن جامعه بالاتر خواهد بود. نخبگان و فرهیختگان، در پرتو تحصیلات شناخته می‌شوند. جامعه‌ای که دانش‌مندان آن بیشتر باشد، معمولاً از تمدن بالاتری برخوردار است و پویایی در تمامی زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی کاملاً مشاهده می‌شود. خلاصه، پیشرفت هر جامعه‌ای در گرو آموزش آن است. دختران و پسران اگر در کنار تحصیل، دل مشغولی‌های دیگری داشته باشند، از تحصیل باز می‌مانند و وقت زیادی از فرصت‌های مطالعاتی و تحصیلی آنان به هدر می‌رود. بسیاری از مشاوران از صحبت‌های دختران و پسران جوان درباره مدهای روز و آرایش‌های جدید گله مند هستند. نمی‌خواهیم بگوییم دختران و پسران باید در دانشگاه‌ها کاملاً از هم جدا باشند و دیواری بین آن‌ها کشیده شود. اگر این‌ها فضای آموزشی را رعایت کنند و محیط را محیط درس بدانند و از آن چه براننده فضای آموزشی نیست پرهیز کنند، بسیار تحسین برانگیز خواهد بود. به گفته مربیان تربیتی، در مدرسه‌ای که دختر و پسر با هم درس می‌خوانند، کم‌کاری، عقب‌افتادگی و بی‌مسئولیتی به خوبی مشاهده شده است. زیرا دختران در چنین محیطی، با بدحجابی توجه دیگران را به خود جلب می‌کنند و تمرکز ذهنی و روحی را از آنان می‌گیرند و باعث افت تحصیلی آنان می‌شوند و خود نیز دیگر حوصله درس خواندن ندارند و تمام حواسشان به لباس و نوع پوشش است. روش مطالعه و تحقیق در آن‌ها خاموش می‌شود و افت تحصیلی پیدا می‌کنند (صلاح، ۱۳۸۴: ۱۲۴)

۴-۴. ایجاد ناامنی

آرامش و امنیت والاترین نعمتی است که خداوند به جامعه عنایت می‌فرماید و می‌توان گفت، اگر جامعه‌ای فاقد آن باشد به یک معنا، هیچ چیز ندارد و با وجود امنیت، همه چیز دارد. سلامت جسمی، روحی و روانی جامعه در سایه امنیت حفظ می‌شود و خلاقیت و نوآوری بروز می‌کند. زنان بدحجاب نمی‌دانند که چه ضربه‌های جبران‌ناپذیری و خانمان‌براندازی بر پیکره جامعه وارد می‌سازند. در جامعه‌ای که بدحجابی رواج پیدا می‌کند، چشم و هم‌چشمی‌ها و ارائه هر چه بهتر زینت‌آرایی، تمامی نخواهد داشت و زنان سعی می‌کنند تا چشمان بیشتری را متوجه خود سازند و در معرض دید همگان قرار گیرند و این امر تمامی نخواهد داشت تا این که تمام افراد جامعه را آلوده سازد. در نتیجه، ناامنی نه تنها دامان خود بدحجاب را می‌گیرد بلکه خیلی سریع به اجتماع سرایت می‌کند و جامعه را از فعالیت‌های سالم باز می‌دارد. بسیاری از کجروی‌های گوناگون اجتماعی مانند مدگرایی، شورش‌ها، و درگیری‌ها خیابانی، ناهم‌نوایی اجتماعی و آزارهای جنسی، از بدحجابی و بی‌هویتی اجتماعی سرچشمه می‌گیرند زنان بدحجاب که به نموده‌های ظاهری و تجمل و تنوع می‌پردازند و هر روز به سراغ اسباب آرایش و زیور آلات جالب تر و کفش و لباس شیک تر می‌روند، از سرمایه‌های معنوی محرومند و جمال معنوی برای آنان نامفهوم است. اینان کمبود خویش را بدین گونه جبران می‌کنند و عطش شخصیت‌یابی را از این طریق فرو می‌نشانند. آری، بدحجابی، ارزش‌های راستین دختران را تحت الشعاع ظواهر جنسی شان قرار می‌دهد و آنان را فدای هرزگی‌ها و هوس‌رانی‌های شیادان می‌سازد. (ارجمندی فرد، ۱۳۹۶: ۹)



۴-۵. کاهش آمار ازدواج و بی‌علاقگی به ازدواج

در جامعه ای که بی‌بند و باری در پوشش و به تبع آن بی‌بند و باری جنسی رواج دارد، بسیاری از لذت‌های جنسی که عامل گرایش به ازدواج است، به راحتی در دسترس افراد قرار می‌گیرد و این امر از میان‌علاقه و گرایش به ازدواج در افراد می‌کاهد. بعضی از لذت‌های جسمی، سمعی، بصری و احیاناً لمسی که باید در نهان خانه زناشویی با انتظار و زحمت به دست آید، بی‌حجابی و بدحجابی آن را آسان، رایگان و همه‌جایی می‌سازد و از اهمیت ازدواج و شوق زناشویی می‌کاهد. استاد شهید مطهری در این زمینه چنین می‌نگارند: علت این که جوانان امروز از ازدواج‌گریزانند و هر وقت به آنان پیشنهاد میشود، جواب می‌دهند که حالا زود است، ما هنوز بچه‌ایم یا به‌عنوان دیگر از زیر آن‌ها شانه خالی می‌کنند، همین است؛ حال آن که در قدیم یکی از شیرین‌ترین آرزوهای جوانان ازدواج بود. جوانان پیش از آن که به برکت دنیای اروپا کالای زن این همه ارزان و فراوان گردد، شب زفاف را کم از تخت پادشاهی نمی‌دانستند. ازدواج در قدیم پس از یک دوران انتظار و آرزومندی انجام می‌گرفت و به همین دلیل زوجین یک‌دیگر را عامل نیک‌بختی و سعادت خود می‌دانستند، اما امروزه به دلیل کامجویی‌های نامشروع در سطحی وسیع، دلیلی بر آن اشتیاق‌ها وجود ندارد. (مطهری، ۱۳۶۶: ۸۹)

۴-۶. کم‌رنگ شدن حضور مثبت زنان در جامعه

زن در بسیاری از جوامع در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... شرکت می‌کند و سهم بسزایی در این زمینه‌ها دارد. بنابراین، حضور زنان در جامعه امری انکارکردنی نیست و روز به روز به این فعالیت‌ها اضافه می‌شود و زنان و زنان دوش به دوش مردان در تمامی زمینه‌ها به فعالیت می‌پردازند. اسلام همان‌گونه که به اختلاط مرد و زن نامحرم هشدار داده و آنان را از پی‌درآمدهای بد و زشت آن بازداشته است، به پوشش و حجاب او توجه خاصی داشته تا حضور او را در جامعه حفظ و سلامت نفسانی جامعه را تضمین کند. زنان بدحجاب در محل کار، به دلیل خودآرایی و خودنمایی، مختل‌تمرکز حواس است. زن با بدحجابی و آرایش، نه تنها به کار جدی نمی‌پردازد، بلکه نیروی کارآمد دیگران را نیز دچار سستی و رکود می‌نماید، در نتیجه چرخه فعالیت‌کاری جامعه را به‌کندی رهنمون می‌سازد. از طرفی خانواده‌هایی که غیرت دینی بالایی دارند، از حضور دختران و زنان خود در چنین جامعه‌ای نگران هستند و نخواهند گذاشت حضور پرشور آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی جلوگیری می‌کنند. در نتیجه، جامعه ضرر خواهد کرد و بخش بزرگی از نیروهای کاری را از دست خواهد داد. پوشش و حجاب، نه تنها باعث سلامت اخلاقی جامعه و پایبندی به هنجارهای دینی می‌شود، بلکه زمینه بروز و شکل‌گیری بزه‌کاری‌های جنسی را به حداقل می‌رساند و اعضای جامعه را نیز به سوی تشکیل خانواده، تنظیم روابط جنسی و عاطفی و قاعده‌مند کردن آن سوق می‌دهد. (محمدی‌اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۸۷)



نتیجه گیری

گسترش فحشا و افزایش فرزندان نامشروع از دردناک ترین پیامدهای بی دینی و بی حجابی است و دلایل آن مخصوصاً در جوامع غربی کاملاً عیان می‌باشد. با توجه به اینکه بی دینی و متعاقب آن برهنگی سرچشمه انواع جنایت‌ها در جوامع انسانی بوده و هستند، ابعاد خطرناک این مسئله روشن تر می‌شود. آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهند که با افزایش برهنگی در جهان، طلاق و از هم گسستگی زندگی زناشویی به طور مداوم بالا رفته و تعداد فرزندان نامشروع زیاد گشته است. برعکس در محیطی که دین، حجاب و موازین دیگر اسلامی رعایت می‌شود، همسران احساسات‌شان، عشق و عواطف‌شان مخصوص یکدیگر است، اجتماع سالم بوده و مردم با احساس آرامش زندگی می‌کنند. ولی در بازار آزاد برهنگی دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی نمی‌تواند داشته باشد و خانواده‌ها از هم متلاشی می‌شود و سلامت روانی فرزندان طلاق به خطر می‌افتد. زنان به عنوان نیمی از جامعه بشری می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در حفظ بهداشت و سلامت جامعه داشته باشند. حجاب و عفاف تأثیرات شگرفی بر آرامش روح و روان انسان دارد، حجاب عامل ایجاد امنیت، سهولت در زندگی، افزودن بر احترام زن می‌شود که هر کدام از این موارد بر آرامش زن می‌افزاید. در خانواده نیز رعایت حجاب آثاری از جمله مستحکم شدن پیوند خانوادگی، تحکیم و حفظ بنیان خانواده و مایه تقویت علاقه مرد به همسر خود می‌باشد، با حجاب پیوند زناشویی محکم می‌شود و او احساس آرامش بیشتری در زندگی خواهد داشت که این آرامش فرد در خانواده متقابلاً در جامعه نیز تأثیر شگرفی خواهد گذاشت زیرا زن به عنوان همسر و مادر نقش مهمی در خانواده خود دارد و آرامش خانواده بر سلامت و آرامش روان زن بستگی دارد.



منابع

۱. احمدی، حسین؛ فریدی، حسن (۱۳۹۶)، رابطه حجاب و عفاف با امنیت روانی و یلامت اجتماعی، همایش ملی عفاف، حجاب و سبک زندگی
۲. ارجمندی فرد، منصوره (۱۳۹۶)، «بررسی آثار تربیتی حجاب بانوان در جامعه اسلامی»، همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب
۳. اسلام لو، نعیمه (۱۳۹۹)، بی پرده با حجاب، چاپ اول، تهران: انتشارات تلاوت آرامش
۴. افشانی، سید علیرضا؛ شیری محمد آباد، حمیده (۱۳۹۹)، شبکه اجتماعی زنان و سلامت اجتماعی در خانواده، فصل نامه فرهنگ یزد، شماره ۵، دوره ۱
۵. اکبری، مرتضی؛ نوری فرد، شهین (۱۳۹۶)، «آثار سوء بدحجابی در جامعه»، همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب
۶. بروس کوئن، درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران: انتشارات توتیا
۷. حسینیان، حامد (۱۳۹۰)، صدفی برای مروارید، چاپ اول، قم: موسسه بوستان کتاب
۸. حسینیان، عفت (۱۳۷۱)، حجاب و نگاه، چاپ اول، تهران، موسسه تعلیمات اسلامی
۹. خدایاری فرد، محمد؛ فقیهی، نقی (۱۳۸۵)، بررسی الگوی دینداری از منظر قرآن و سنت، فصلنامه اندیشه دینی، دوره ۸، شماره ۱۹
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۳)، مفردات الفاظ قرآن، چاپ اول، بیروت: دارالعلم
۱۲. رستمی، لیلا (۱۳۹۹)، تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر بی حجابی و بدحجابی زنان، تهران: انتشارات نوروزی
۱۳. رشیدی، علیرضا؛ زبیری، عزت الله؛ علیرمانی، بهزاد؛ شریفی، کسری؛ نقشینه، طیبه (۱۳۹۴)، عوامل مؤثر بر حجاب گریزی، فصلنامه علمی دانش انتظامی کرمانشاه، دوره ۳، شماره ۲۱
۱۴. ساروخانی، باقر (۱۳۸۰)، دائرة المعارف علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان
۱۵. سراقی، بهروز؛ خزایی، میثم (۱۳۹۷)، بررسی دیدگاه های تفسیری آیات حجاب و مجرمانه بودن عدم رعایت حجاب شرعی، پژوهش های تفسیر تطبیقی، سال ۴، شماره ۲
۱۶. شریعتی سرابی، فرونوش (۱۳۹۹)، راهکارهای عملی ترویج و گسترش عفاف و حجاب در جوامع و اجتماعات امروزی، چاپ اول، تهران: انتشارات راز
۱۷. صبوری کاشانی، منوچهر (۱۳۸۵)، جامعه شناسی، چاپ اول، تهران: انتشارات نی
۱۸. صلاح، مهدی (۱۳۸۴)، پیامدهای حجاب، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی
۱۹. صلیبا، جمیل (۱۳۷۱)، واژه نامه فلسفه و علوم اجتماعی، ترجمه کاظم برگ بینی و صادق سجادی، چاپ اول، تهران: انتشارات سهامی انتشار
۲۰. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۸۸)، ترجمه تفسیر المیزان، جلد سوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۲۱. طباطبائی، محمدحسین؛ مطهری، مرتضی (۱۳۳۲)، «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، چاپ اول، تهران: انتشارات صدرا
۲۲. عباس، مهرداد؛ زرسازان، عاطفه؛ اسودی، علی؛ قیدر، مریم (۱۴۰۰)، توصیف و تحلیل نظریات قرآنی نظیر زین الدین در مسئله حجاب دوره ۱۱، شماره ۲۵



۲۳. عربی، سیده مهری (۱۳۹۶)، نقش حجاب زنان در سلامت اجتماع، تبیین جامعه‌شناختی حجاب و راه کارهای مقابله ای با بدحجابی، همایش ملی عفاف، حجاب و سبک زندگی

۲۴. کوهی، محمدرضا (۱۳۸۵)، آسیب شناسی و محبوبیت زن، چاپ اول، قم: انتشارات اتقان

۲۵. گولد، جولیس؛ کولب، (۱۳۹۲)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، چاپ اول، تهران: انتشارات مازیار

۲۶. محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۷۹)، حجاب بیانگر شخصیت، چاپ اول، تهران: انتشارات معاونت مبارزه با مفاسد اجتماعی ناجا

۲۷. محمودی یگانه، ماریه (۱۳۹۹)، عفاف و حجاب از دیدگاه آیات قرن و احادیث، علوم اسلامی انسانی، شماره ۲۳، دوره ۴۳

۲۸. معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ معین، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیر کبیر

۲۹. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵)، تحریرالوسیله، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی

۳۰. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۱۷)، شرح چهل حدیث، چاپ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

۳۱. مولایی پارده، برزو؛ سعیدی اصل، قدرت الله؛ سعیدی اصل، رضوان (۱۴۰۱)، فلسفه حجاب و نقش تربیتی آن در دین اسلام، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین، سال ۶، شماره ۲۸

۳۲. وایتزمن، الیس (۱۳۷۳)، رشد اجتماعی، ترجمه سیما نظیری، چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن اولیای و مربیان

33. Bickenbach J. (2017), WHO's definition of health: Philosophical analysis. The Handbook of the philosophy of medicine schramme, Vol 1

34. Narayan, D (2001), A dimensional approach to measuring social capital: Development and validation of a social capital inventory. Current sociology, Vol 1



Obscenity & Violation of the Right to the Social Health of Society

Neda Mohammadoghli Hiagi

5th Grade of Sisteran Seminary, Fatemieh School, Meshginshahr, Iran (Corresponding Author)

neda.mohammadoghli@gmail.com

Mahdi Omani

PhD, Criminal Law & Criminology, Law Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

Omanimehdi68@gmail.com

Abstract

Background and Purpose: The root of social health goes back to the World Health Organization's definition of the concept of health. In this definition, it is said that health is not only the absence of disease and defects, but also complete physical, mental and social well-being. Therefore, the main purpose of this article is to investigate the violation of the social health of the society through Immodesty.

Research Method: This article has been done using the descriptive, analytical research method and data collection using books, articles and internet sites, and it tries to investigate the Immodesty as a cause of the social health deficiency of the society.

Research Findings: One of the proposed approaches in the field of explaining social health violations is the distancing of the society from the Immodesty, which causes many psychological and social problems. Therefore, it is the duty of the scholars and thinkers to explain the undesirable consequences of Immodesty.

Conclusion: The results of the research indicate that veiling is currently spreading and is like a plague that has plagued the young generation and endangered their growth and development. Investigating the important effects of this can be seen as an achievement in strengthening the foundation of the family and ultimately the social health of the society.

Key Words: Immodesty, Social Health, Society, Disinterest